



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

آنچه باید در مورد جنگ های صلیبی بدانید !

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲ خرداد ۱۳۹۲ / ۱۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

قسمت دوم (برای دیدن قسمت اول اینجا کلیک کنید) جنگ های صلیبی crusades پاپ اوربان دوم دلیل مستقیم شروع جنگ صلیبی اول درخواست کمک امپراتور روم شرقی آلكسیوس یکم از پاپ اوربان دوم برای مقابله با پیشروی های مسلمانان در خاک امپراتوری روم شرقی بود. در سال ۱۰۷۱ روم شرقی در نبرد ملازگرد از مسلمانان شکست خورد که منجر به از دست دادن تمام آناتولی به جز نواحی ساحلی شد. اگرچه تلاش ها برای حل مناقشات بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس شرقی پس از جدایی شرق و غرب شکست خوردند اما آلكسیوس همچنان به کمک از جانب پاپ

قسمت دوم (برای دیدن قسمت اول اینجا کلیک کنید)



جنگ های صلیبی crusades

پاپ اوربان دوم

دلیل مستقیم شروع جنگ صلیبی اول درخواست کمک امپراتور روم شرقی آلكسیوس یکم از پاپ اوربان دوم برای مقابله با پیشروی های مسلمانان در خاک امپراتوری روم شرقی بود. در سال ۱۰۷۱ روم شرقی در نبرد ملازگرد از مسلمانان شکست خورد که منجر به از دست دادن تمام آناتولی به جز نواحی ساحلی شد. اگرچه تلاش ها برای حل مناقشات بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس شرقی پس از جدایی شرق و غرب شکست خوردند اما آلكسیوس همچنان به کمک از جانب پاپ امیدوار بود.



جنگ های صلیبی crusades

پاپ اوربان دوم جنگ‌های صلیبی را در سال ۱۰۹۵ در شورای کلرمونت تعریف و آغاز کرد. او اصلاح‌طلبی بود که نگران بدکارانی بود که مانع موفقیت معنوی کلیسا و روحانیون مسیحی بود و احساس نیاز برای احیای مذهب در میان مردم می‌کرد.

او توسط درخواست فوری آلکسیوس تحریک شد. تصمیم پاپ برای آغاز جنگ‌های صلیبی بر ضد مسلمانان به طرز ناگهانی در آخرین روز شورا اعلام شد. او از تمام شاهان اروپایی خواست تا جنگ برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس را آغاز کنند. او تقدس بیت‌المقدس و سرزمین‌های مقدس را در کنار غارت‌ها و هتک حرمت‌های ترکان کافر قرارداد و با توصیف آزار و اذیت زائران خشم عمومی را برانگیخت. او همچنین خطر نظامی به مسیحیان روم شرقی را خاطرنشان کرد. او مسیحیان را موظف به شرکت در این امر مقدس کرد و قول داد همه آنهایی که به جنگ روند گناهانشان آمرزیده خواهد شد و آنهایی که در جنگ کشته می‌شوند مستقیماً به بهشت داخل می‌شوند.

پاپ با تشویق به جنگ احساسات جنگجویانه غیرمذهبی فئودال‌ها را نیز برانگیخت. او از بارونها خواست که به جای جنگ غیر مقدس در غرب اروپا در جنگ مقدس شرکت جویند. او به بارونها وعده ثروت، مالکیت زمین، قدرت، و شخصیت اجتماعی داد، و برای پرداخت همه این جوایز غلبه بر ترکان و عرب‌ها و گرفتن خراج از آنها را فرض کرده بود. او گفت که ترکان و اعراب به سادگی توسط نیروهای مسیحی شکست می‌خورند. وقتی او نطقش را تمام کرد، شنوندگان فریاد زدند «خدا این را می‌خواهد». این جمله بعدها شعار جنگی صلیبیون شد. پاپ اسقف لی‌پویی را مسئول ترغیب کشیشان به پیوستن به جنگ کرد. خبر آنکه جنگ بر علیه کفر با زیارت اماکن مقدسه توأم خواهد بود و پاداش فراوانی برای زائران در زمین و آسمان خواهد بود به سرعت پخش شد. بلافاصله هزاران تن متعهد شدند که عازم جنگ صلیبی اول شوند. سخنرانی پاپ اوربان دوم یکی از موثرترین سخنرانی‌های تاریخ نام‌گرفته است؛ سخنرانی‌ای که جنگ‌های مقدسی را برانگیخت و ذهن و قوای اروپاییان را برای دوپست سال مشغول کرد.

پس از جنگ صلیبی اول

نخستین جنگ‌های صلیبی توسط مسیحیان پرشوری که احساس پارسایی می‌کردند انجام شد. این هیجان و خشم در کشتار یهودیان در کشاکش سفر اوباش در اروپا و برخورد خشن با مسیحیان ارتدوکس «تفرقه طلب» شرقی دیده می‌شود. در قرن سیزدهم مسیحیان هیچگاه شور و خشم سابق را از خود نشان نمی‌دادند. پس از آنکه عکا برای آخرین بار در سال ۱۲۹۱ به دست مسلمانان افتاد و پس از نابودی کامل کاتارها در اوکیتانیا به دست صلیبیون، اعتقاد به جنگ‌های صلیبی توسط توجیه‌های پاپ برای جنگ‌ها داخلی در اروپا بی‌ارزش شد. شوالیه‌های یوحنا قدیس آخرین جنگجویانی بودند که صاحب سرزمینی برای خود بودند. پس از سقوط عکا آنها به جزیره رود رفتند و در قرن ۱۶ به جزیره مالت رانده شدند تا سرانجام توسط ناپلئون بناپارت از حکمرانی برکنار شدند.



جنگ های صلیبی crusades

فهرست جنگ‌ها

نامگذاری سنتی تعداد جنگ‌های صلیبی را نه عدد بین قرون ۱۱ تا ۱۳ می‌داند. هرچند این نامگذاری بسیاری از لشکرکشی‌های مهم را دربر نمی‌گیرد، مخصوصاً آنهایی که در قرون ۱۴ تا ۱۶ رخ دادند. در حقیقت جنگ‌های صلیبی تا آخر قرن ۱۷ ادامه داشتند، مانند جنگ لپانتو در ۱۵۷۱، جنگ سنت‌گتهدارد در ۱۶۶۴ و جنگ صلیبی در کندها (کرت امروزی) در ۱۶۶۹. شوالیه‌های یوحنا قدیس تا زمان شکستشان از ناپلئون بناپارت به سال ۱۷۹۸ در دریای مدیترانه و مالت مشغول جنگ بودند. در همین دوره، جنگ‌های صلیبی کوچک بسیاری در شبه‌جزیره ایبری و مرکز اروپا برعلیه مسلمانان، خوارج مسیحی و پگان‌ها در جریان بود.

جنگ صلیبی اول (۱۰۹۵ تا ۱۰۹۹)

مسیر حرکت جنگجویان صلیبی در جنگ صلیبی اول در مارچ ۱۰۹۵ در شورای پیاچنزا، سفیران آلکسیوس یکم

امپراتور روم برای حفاظت امپراتوری از حملات ترکان سلجوقی درخواست کمک کردند. بعدها در همان سال در شورای کلرمونت، پاپ اوربان دوم همه مسیحیان را برای جنگ علیه ترکان دعوت کرد، با این وعده که آنان که در این جنگ کشته می‌شوند آمرزش آبی از گناهانشان دریافت خواهند کرد مبارزان صلیبی رسمی فرانسه و ایتالیا را در تاریخ ۱۵ اوت ۱۰۹۶ (تعیین شده توسط پاپ) ترک کردند. سربازان از راه زمینی به قسطنطنیه رسیدند و مورد استقبال محتاطانه امپراتور بیزانس قرار گرفتند. با عزم به بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست‌رفته، سپاهی که عمدتاً شوالیه‌های فرانسوی و نرمن تحت رهبری بارونها به سمت جنوب آناتولی تاختند. آنان در جنگ‌هایی وحشیانه انطاکیه را در سوم ژوئن ۱۰۹۸ و سرانجام اورشلیم را در ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹ تصرف کردند. آنها چهار دولت صلیبی در ساحل فلسطین و سوریه تشکیل دادند

مبارزات

قوای صلیبی با ترک‌ها جنگیدند. تصرف انطاکیه به دست صلیبیون در اکتبر ۱۰۹۷ آغاز شد و تا ژوئن ۱۰۹۸ به طول انجامید. پس از تصرف شهر، مطابق رسم معمول برای شهرهایی که تسلیم نمی‌شدند، صلیبیون مسلمانان شهر را قتل‌عام، مساجد شهر را ویران و اموال شهر را غارت کردند. هرچند بلافاصله، لشکر بزرگ کمکی مسلمانان به رهبری کربغا صلیبیون پیروز را در انطاکیه محاصره کرد. به‌موند اول توانست محاصره را در ۲۸ ژوئن بشکند و صلیبیون گرسنه به سمت جنوب حرکت کردند تا اینکه تنها با بخشی از نیروهای اولیه به اورشلیم رسیدند

تصرف اورشلیم

نوشتار اصلی: تصرف اورشلیم (۱۰۹۹)

گادفری بوین شوالیه فرانسوی فرمانده جنگ صلیبی اول و بنیان‌گذار پادشاهی اورشلیم. در دفاع از اورشلیم، یهودیان و مسلمانان باهم در برابر فرانک‌های مهاجم جنگیدند. اما ناموفق بودند و در ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹ صلیبیون وارد شهر شدند. صلیبیون باقی‌مانده یهودیان و مسلمانان شهر را قتل‌عام نموده، مساجد را ویران کرده و شهر را غارت نمودند. مورخی نوشته‌است که «انزوا، ترس و بیگانگی» احساس شده توسط فرانک‌های دور از خانه به توضیح قساوت‌های آنان کمک می‌کند؛ قساوت‌هایی مانند آدم‌خواری پس از محاصره معره نعمان در سال ۱۰۹۸. در نتیجه جنگ صلیبی اول، دولت‌های صلیبی کوچک متعددی تشکیل شد که از همه مشهورتر پادشاهی اورشلیم بود. در پادشاهی اورشلیم حداکثر ۱۲۰,۰۰۰ فرانک (اکثراً فرانسوی‌زبان و مسیحی از اروپای غربی) بر ۳۵۰,۰۰۰ یهودی، مسلمان و مسیحی شرقی که از زمان سلطه اعراب بر منطقه در سال ۶۳۸ در آنجا بودند حکمرانی می‌کردند.

همچنین صلیبیون تلاش کردند تا شهر صور را نیز تسخیر کنند اما از مسلمانان شکست خوردند. مردم صور از ظاهر الدین اتابک والی دمشق در قبال تسلیم صور به او تقاضای کمک در برابر فرانک‌ها کردند. بعد از شکست فرانک‌ها از ظاهر الدین مردم صور شهر را تسلیم نکردند و او به سادگی در جواب گفت «آنچه من انجام داده‌ام فقط برای خدا و مسلمانان بوده نه برای کسب ثروت یا پادشاهی». پس از تسخیر اورشلیم صلیبیون چهار دولت تشکیل دادند: پادشاهی اورشلیم، بخش رها، شاهزادگی انطاکیه و بخش طرابلس.. در ابتدای امر به دلیل اختلافات داخلی مسلمانان کارهای اندکی در مقابل صلیبیون انجام دادند. سرانجام مسلمانان شروع به متحدشدن تحت رهبری

عمادالدین زنگی کردند. او با آزادسازی رها در سال ۱۱۴۴ شروع کرد. رها اولین شهری بود که به دست صلیبیون افتاد و اولین شهری بود که دوباره توسط مسلمانان تسخیر شد. بازپسگیری رها توسط مسلمانان به فراخوان برای دومین دوره جنگ‌های صلیبی توسط پاپ انجامید.

جنگ صلیبی ۱۱۰۱

پس از موفقیت‌های صلیبیون در جنگ صلیبی اول صلیبیون یک سلسله جنگ‌های صلیبی کوچکی به راه انداختند ولی در سه جنگ مختلف از سپاه منظم قلیچ ارسلان شکست خوردند. گاهی این جنگ‌های صلیبی جزوی از جنگ صلیبی اول شمرده می‌شوند. جنگ‌های صلیبی نروژی ۱۱۰۷ تا ۱۱۱۰ سیگیورد اول نروژی اولین پادشاه اروپایی بود که در جنگ‌های صلیبی شرکت کرد و لشکرش مسلمانان را در سه جبهه اندلس، بالئارس و سرزمین‌های مقدس شکست داد و به باقی صلیبیون پیوست.

سازمان‌دهی دولت‌های صلیبی

پس از جنگ صلیبی اول، صلیبیان شهرهای مسیحی نشین جدید در سرزمین مقدس بنا کردند. دو گروه شوالیه جدید به نام‌های شوالیه‌های معبد و هاسپتالر (مهمان نواز)، تشکیل داده شد. این شوالیه‌ها در عین حال نجیب زاده نیز بودند. آنها در مقابل حمله مسلمانان، از مهاجران مسیحی که به سرزمین مقدس می‌آمدند، محافظت می‌کردند و هزینه بیمارستانی را که ایتالیایی‌ها در سرزمین مقدس ساخته بودند را نیز می‌پرداختند. به سال ۱۱۴۲ مهاجرانی از مسیحیان در سرزمین مقدس مستقر می‌شوند. آنها شروع به ساخت قصرهایی از جمله قلعه شهبازان در سوریه کردند. انبارهای زیرزمینی این قصرهای با شکوه ذخیره غذایی و سلاح را برای یک محاصره پنج ساله در خود جای می‌دادند.

جنگ صلیبی دوم (۱۱۴۷ تا ۱۱۴۹)

اروپا و دولت‌های مسیحی در شرق در سال ۱۱۴۲

بعد از یک دوره زندگی آرام مسلمانان و مسیحیان در کنار هم در سرزمین‌های مقدس، مسلمانان رها را فتح کردند. واعظان مسیحی متعددی دعوت به یک دوره جدید جنگ‌های صلیبی کردند. لشکریان فرانسوی و آلمان جنوبی به ترتیب به رهبری لوئی هفتم و کنراد سوم در سال ۱۱۴۷ به اورشلیم تاختند اما نتوانستند پیروزی مهمی کسب کنند. تنها توانستند دمشق را که شهری بی‌طرف بود تسخیر کنند، هر چند این شهر به زودی توسط نورالدین زنگی، دشمن اصلی صلیبیون، بازپس گرفته شد. هرچند در آن سوی مدیترانه صلیبیون در پرتغال پیروزی‌های مهمی کسب کردند و با همکاری پادشاه پرتغال آفونسو اول توانستند در سال ۱۱۴۷ لیسبون را از مسلمانان بازپس گیرند. در سال بعد بخشی از این گروه از صلیبیون با همکاری کنت بارسلونا توانستند طرطوشه را فتح کنند. به سال ۱۱۵۰ در جبهه سرزمین‌های مقدس پادشاهان فرانسه و آلمان بی نتیجه به کشورهایشان برگشتند. برنارد قدیس که موعظه‌های او منجر به جنگ صلیبی اول شده بود از شدت خشونت‌های اشتباهی و کشتار یهودیان ناراحت بود آلمانی‌های شمالی و دانمارکی‌ها در سال ۱۱۴۷ به وندها در شرق اروپا حمله کردند ولی ناموفق بودند.

جنگ صلیبی سوم (۱۱۸۷ تا ۱۱۹۲)

مسلمانان مدت‌ها در جنگ داخلی میان خود بودند تا سرانجام توسط صلاح‌الدین ایوبی با هم متحد شدند و یک دولت واحد تشکیل دادند. در سال ۱۱۸۱ مسلمانان به فرماندهی صلاح‌الدین صلیبیون را در جنگ حطین به سختی شکست دادند و پس از آن به سادگی با شکست دادن لشکریان متفرق صلیبی تمام شهرها (از جمله بیت المقدس) را به جز چند شهر ساحلی بازپس گرفتند. امپراطوری بیزانس از ترس صلیبیون با مسلمانان متحد شد. پیروزی‌های صلاح‌الدین اروپا را شوکه کرد. برای جبران این فاجعه امپراطور آلمان فردریک بارباروسا، شاه فرانسه فیلیپ دوم و شاه انگلستان ریچارد شیردل با دخالت اندک پاپ یک جنگ صلیبی دیگر را پایه‌گذاری کردند. فردریک در راه مرد و تنها اندکی از سربازانش به سرزمین‌های مقدس رسیدند. شاه فیلیپ به بهانه دروغین ناخوشی به فرانسه برگشت با این انگیزه که دوک نورماندی را از چنگ ریچارد در بیاورد. در جنگی به سال ۱۱۹۱ ریچارد قبرس را از بیزانسی‌ها گرفت. در قرن‌های بعد قبرس به عنوان پایگاه صلیبیون استفاده شد و تا سال ۱۵۷۱ در کنترل مسیحیان ماند. پس از محاصره‌ای طولانی ریچارد عکا را از مسلمانان گرفت و تمامی مسلمانان پادگان را به اسارت گرفت. بعدها او تمامی این مسلمانان پس از مذاکرات ناموفق از دم تیغ گذراند. سپاه صلیبی به سمت جنوب در امتداد ساحل مدیترانه پیش رفت. آنها مسلمانان را در نزدیکی ارضف شکست دادند، شهر بندری یافا را گرفتند و مشرف به بیت‌المقدس شدند. پس از این جنگ بسیاری از صلیبیون به اروپا بازگشتند و ریچارد به این نتیجه رسید که در صورت تصرف بیت‌المقدس قادر به دفاع از آن نخواهد بود. بنابراین او برای فتح شهر اقدام نکرد و در سال بعد معاهده صلحی با صلاح‌الدین امضا کرد. براساس صلحنامه بین ریچارد و صلاح‌الدین بیت‌المقدس تحت کنترل مسلمانان باقی‌ماند اما زائران غیرمسلح مسیحی اجازه یافتند تا شهر را زیارت کنند. بیت‌المقدس و پادشاهی همجوار (به جز چند شهر ساحلی) همچنان تحت قانون اسلامی اداره می‌شدند. ریچارد شیردل در راه بازگشت به انگلستان به وسیله دوک لئوپلد، فرمانروای اتریش، دستگیر و زندانی می‌شود. لئوپلد در ازای آزادی او باج هنگفتی طلب می‌کند.

جنگ صلیبی چهارم (۱۲۰۲ تا ۱۲۰۴)

امپراطوری لاتین و تقسیم بیزانس پس از جنگ صلیبی چهارم در سال ۱۲۰۴ پس از موفقیت‌های اندک در جنگ صلیبی سوم، اشتیاق اندکی در اروپاییان برای یک جنگ دیگر باقی مانده بود. در سال ۱۲۰۲ جنگ صلیبی چهارم به درخواست پاپ اینوسنت سوم با انگیزه حمله به سرزمین‌های مقدس از راه مصر آغاز شد. صلیبیون برای تامین کشتی‌های مورد نیاز با انریکو داندولو حاکم جمهوری ونیز قرارداد بستند. داندولو کشتی‌ها را فراهم کرد اما صلیبیون قادر به پرداخت هزینه‌ها نبودند. لذا داندولو از آنها خواست که در عوض بدهی‌شان با حمله به شهر بندری زادار آن را تحت اطاعت جمهوری ونیز درآورند. پس از حمله به زادار و غارت آن صلیبیون دوباره متوجه شدند که از عهده بازپرداخت اجاره کشتی‌های داندولو بر نمی‌آیند. به همین دلیل رهبران صلیبی تصمیم گرفتند تا به قسطنطنیه بروند و شاهزاده‌ای تبعیدی که به آنها وعده کمک داده بود را دوباره بر تخت بنشانند. پس از یک سری سوتفاهم‌ها و بروز خشونت‌ها، صلیبیون شهر را در سال ۱۲۰۴ تسخیر کردند و دولتی به نام امپراتوری لاتین به همراه چند دولت صلیبی دیگر بوجود آوردند. صلیبیون قسطنطنیه را غارت کردند و اهالی شهر را از دم تیغ شمشیرها گذراندند. معمولا این وقایع آخرین نقطه جدایی بزرگ بین کلیسای ارتدکس شرقی و کلیسای کاتولیک به‌شمار می‌آیند.

جنگ صلیبی پنجم (۱۲۱۷ تا ۱۲۲۱)

با گردهمایی‌ها، دعاها و موعظه‌ها کلیسا تلاش کرد تا جنگ صلیبی دیگری راه‌بیاندازد. در سال ۱۲۱۵، چهارمین شورای قصر لاتران طرحی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس ریخت. در مرحله اول سپاهی از اتریش و مجارستان به نیروهای پادشاهی بیت‌المقدس و شاهزادگی انطاکیه پیوستند تا به بیت‌المقدس حمله کنند. در مرحله دوم در سال ۱۲۱۹ صلیبیون با پیروزی بزرگی دمیاط در مصر را تسخیر کردند ولی در پی اصرار نماینده پاپ در حمله‌ای بی‌پروا به قاهره در ژوئیه ۱۲۲۱ شکست خوردند و به خاطر کمبود آذوقه و مهمات صلیبیون مجبور به عقب‌نشینی شدند. در شبیخونی به رهبری کامیل پادشاه ایوبی مصر، بسیاری از صلیبیون کشته شدند و مابقی مجبور به تسلیم شدند و کامیل درخواست صلح هشت ساله آنان را پذیرفت.

جنگ صلیبی ششم (۱۲۲۸ تا ۱۲۲۹)

امپراتور مقدس روم فردریک دوم بارها قول به آغاز یک جنگ صلیبی داد ولی به قولش عمل نکرد که باعث تکفیرش از سوی پاپ گرگوری نهم به سال ۱۲۲۸ شد. با این‌حال او از بندر بریندیسی حرکت کرد و به عکا رسید. اگرچه جنگی رخ نداد اما او با کامیل عهدنامه صلحی امضا کرد که به موجب آن مسیحیان بر اکثر بیت‌المقدس و نواری از منطقه بین بیت‌المقدس و عکا حکومت می‌کردند و مسلمانان همچنان قبة الصخره و مسجدالاقصی را در اختیار داشتند. بنابراین او موفقیت غیرمنتظره‌ای را بدست آورد. در سال ۱۲۲۵ او با وارث پادشاهی بیت‌المقدس ازدواج کرد و پس از مرگ وارث در سال ۱۲۲۸ به پادشاهی بیت‌المقدس رسید. صلح ده سال به طول انجامید در حالی‌که بسیاری از مسلمانان از این‌که کامیل از حکومت بیت‌المقدس دست‌کشیده‌بود ناخشنود بودند. در سال ۱۲۴۴ طی فتح بیت‌المقدس مسلمانان دوباره حکومت بیت‌المقدس را در دست گرفتند.

جنگ صلیبی هفتم (۱۲۴۸ تا ۱۲۵۴)

در سال ۱۲۴۴ خوارزمشاهیان با همدستی مملوک‌ها بیت‌المقدس را تصرف کردند. اروپاییان که بارها دست‌به‌دست شدن بیت‌المقدس بین مسیحیان و مسلمانان را تجربه کرده‌بودند دیگر به فراخوان‌های پاپ برای بازپس‌گیری بیت‌المقدس بی‌اعتنا شده‌بودند. سرانجام لویی نهم حاضر به جنگ صلیبی شد. صلیبیون در سال ۱۲۴۴ در غزه با قوای خوارزمشاهیان به رهبری ظاهر بیبرس روبرو شدند و طی ۴۸ ساعت کاملاً منهدم شدند. بسیاری از مورخان این جنگ را ناقوس مرگ پادشاهی آتنمرز، یکی از دولت‌های صلیبی، می‌دانند. لویی نهم جنگ صلیبی دیگری را بر علیه مصریان در سال‌های ۱۲۴۸ تا ۱۲۵۴ تدارک دید. صلیبیون در این جنگ شکست قاطعی خوردند و لویی اسیر شد. عرب‌ها خونبهای هنگفتی بابت آزادی لویی دریافت کرده و او را آزاد کردند.

جنگ صلیبی هشتم (۱۲۷۰)

در سال ۱۲۷۰ لویی نهم با نادیده گرفتن توصیه مشاورانش دوباره به عرب‌ها در تونس و شمال آفریقا حمله کرد. او گرم‌ترین فصل سال را انتخاب کرد و در نتیجه سپاهش به خاطر بیماری‌های مختلف هلاک شدند. لویی خودش هم مرد و تلاشش برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس ناکام ماند.

جنگ صلیبی نهم (۱۲۷۱ تا ۱۲۷۲)

مغولان در نبرد سرنوشت‌ساز عین جالوت از مصریان به سختی شکست خوردند. در سال ۱۲۷۱ ادوارد اول انگلستان پس از همراهی با لویی نهم در جنگ صلیبی هشتم جنگ صلیبی دیگری را بر علیه بایبرس آغاز کرد. لویی که در تونس مرد و با شکست صلیبیون در جنگ نهم جنگ‌های صلیبی در خاورمیانه پایان یافتند. در شماره‌گذاری جنگ‌های صلیبی گاهی جنگ صلیبی نهم را بخشی از جنگ صلیبی هشتم به‌شمار می‌آورند. در سال‌های پایانی صلیبیون که با خطر مملوک‌های مصری مواجه بودند امید به اتحاد با مغول‌ها بسته بودند. ایلخانان مغول تصور می‌شد که به مسیحیت نزدیک‌تر هستند و شاهزادگان فرانکی در چند مورد توانسته بودند مغول‌ها را برای حمله به چندین ناحیه در خاورمیانه تحریک و سازماندهی کنند. [اگرچه مغول‌ها تا دمشق تازش‌های موفقیت‌آمیزی داشتند، آنها نتوانستند به طرز موثری با صلیبیان در حمله به سرزمین‌های مقدس هماهنگ شوند و در جنگ‌ها از مصریان شکست خوردند. بزرگ‌ترین شکست مغولان در جنگ تعیین‌کننده عین جالوت به سال ۱۲۶۰ بود. سرانجام مملوک‌ها به رهبری بایبرس تصمیم خود برای پاکسازی شام از فرانک‌ها را به تدریج عملی کردند. با سقوط انطاکیه (۱۲۶۸)، طرابلس (۱۲۸۹)، و عکا (۱۲۹۱) مسیحیانی که قادر به فرار نبودند کشته شدند یا به بردگی درآمدند و به‌این‌ترتیب آخرین آثار مسیحیت از شام ناپدید شد.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آنچه باید در مورد جنگ‌های صلیبی بدانید!»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1267/pdf/crusades-2.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹